ZENDEGI - SALAM
ضمیمه روزانه روزنامه خراسان
شنبه • ۱۴ بهمن ۱۳۹۶
۱۶ جمادی الاول ۱۴۳۹ • ۳ فوریه ۲۰۱۸
۹۷۲

به بهانه اولین سالروز درگذشت «حسن جوهرچی»، بررسی ویژگی‌های بچه‌مثبت‌های سینما و تلویزیون ایران

کلوپ بچه مثبت‌ها!

فردا اولین سالروز فوت مرحوم «حسن جوهرچی»، بازیگر سینما و تلویزیون است. چهره‌ای که با شاه‌نقش «محمد منصوری» در سریال به‌یادماندنی «در پناه تو»، به عنوان یک جوانِ مثبت، معتقد، متعهد، دلسوز و فداکار، برای همیشه در ذهن و قلب مان جاودانه شد. بازیگری که به‌واسطه چهره مهتابی و نگاه مهربانش، در طول فعالیت حرفه‌ای هنری‌اش، به غیرِ یکی دو استثنا، همواره به ایفای نقش آدم‌هایی قابل‌اعتماد پرداخت که مخاطب می‌توانست با آن ها همراه شود و همذات‌پنداری کند. هنرمندی که به واسطه ویژگی‌های ظاهری و رفتاری‌اش، خیلی خوب در نقش‌های مثبت جاافتاد و بازی‌اش در «مشق عشق» و «شوق پرواز» قابل تحسین بود. اما چهره و فیزیک مرحوم جوهرچی و بازیگرانی شبیه او که همواره نامزد ایفای نقش‌های معصوم و مظلوم هستند چه ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند حسِ خوبی به مخاطب دهد و اعتمادش را جلب کند؟ چهره و نگاه و لحن برخی آدم‌ها، چگونه است که در اولین برخورد، جلب اطمینان می کند؟ امروز علاوه بر یادی از محبوب‌ترین بچه‌مثبت‌های سینما، آن ها که سال‌هاست زیر سایه مهم‌ترین نقش شان که یک آدم مثبت و دوست‌داشتنی بوده و مشغول ایفای موفقِ چنین نقش‌هایی هستند، یک روان شناس از راز ویژگی‌های تاثیرگذار چهره و فیزیک این گونه آدم‌ها برای مان حرف می‌زند. با ما همراه باشید.

آقایـــان

غیر از مرحوم «حسن جوهرچی»، تعداد مـردان سینمای ایـران که به اصـطلاح، «بچه‌مثبت» باشند و همیشه و همواره نقش آدم‌های مثبت و دوست‌داشـتنـی را ایفا کنند، جـوری کـه اصـولا نتوانیم آن هـا را در نـقـش‌هـای منفی بپذیریم و تصورشان کنیم، خیلی زیـاد نیست. شایـد «سید جواد هاشمی» یکی از همین چهره‌ها باشد که البته در به عهده گرفتن ایـن نـقـش‌ها، آن قـدر شـورش را درآورد که یک‌جورهایی مخاطب را دل زده کرد. غیر از این دو «پویا امیـنـی»، «محمدرضا غـفـاری» و «امین زندگانی» هم تا حدودی در دسته بچه‌مثبت‌ها قرار می‌گیرند. با هم به مرور ویژگی‌های این سه نفرو مهم‌ترین آثارشان می پردازیم کـه بـه‌واسـطـه آن‌هـا، بـه عـنـوان بچه‌های خوب سینما و تلویزیونِ ایران در ذهن مان جاخوش کردند.

پویـــاامینی؛ متفکر، مردد، محافظه‌کار

پررنگ‌ترین خاطره تصویری ما از پویاامینی، به‌طور معمول برمی‌گردد به حدود ۲۰ سال قبل که مجموعه تلویزیونی «در قلب من» از تلویزیون پخش می‌شد. امینی در آن مجموعه، نقش پسری جوان از خانواده‌ای مرفه را به عهده داشت. سه سال بعد، او را در سریال «خط قرمز» دیدیم که در یک جمع پنج نفره از جوانان پرشر و شوری که از خانه‌های شان بیرون زده بودند تا به دنبال سرنوشت بروند، از بقیه آرام‌تر، مهربان‌تر و محافظه‌کارتر بود. پویا امینی با چهره‌ای مهتابی، چشم و ابرو و موهای روشن و لبخندی دلنشین، در همان نگاه اول می‌توانست اعتماد و محبت مخاطب را جلب و او را با خودش همراه کنـد. بعد از این دو سریـال، گرچه امینی در بیش از ۴۰ اثـر سینمایی و تلویزیونی حضور داشته اما هیچ کدام به انـدازه ایـن دو در ذهن مخـاطـب نمانـده اسـت. هرچند وجه اشتراک تمام نـقـش‌هـایـش، همین مثبت و خوب بودن است.

محمدرضـا غفاری؛ رفیـــق، برادر، دلسوز

غفاری را اولین بار در فیلم «رویای خیس» در نقش پسری نوجوان، درگیر فراز و نشیب‌های بـلـوغ دیـدیـم، بـا نـقـش‌آفـرینـی‌اش بـه عنوان پسر بـزرگ خـانـواده عالی‌مقام، در سریال «آشپزباشی» شناختیم و با حضور کوتاه اما گرمش در «انتهای خیابان هشتم»، به خاطر سپردیـم. غفاری با بازی در نقش برادر روشنک، در فیلم «قاعده تصادف» و نقش حمید در فیلم «کوچـه بی‌نام» بیش از پیش در نقش جوانان مظلوم و دوست‌داشتنی، جا افتـاد. جوانـی با چشم‌های روشن اما نگاه عمیق و گاهـی غمگین و لحنی آرام و مظلوم، که دلسوز و در خدمت خانواده و جمع رفقاست و برای کمک به دور و بری‌ها از هیچ تلاشی دریـغ نمی‌کند.

امین زندگانی؛ عاقل، صبور، دوراندیش

امین زندگانی هم جزو بازیگران مـردی است که با کمی تخفیف و ارفاق، به‌طور معمول به عنوان بازیگر نقش مـردان آرام، عاقل و باوقار شناخته می شود. زندگانی گرچه از حدود ۲۰ سال قبل، فعالیت هنری اش را در تئاتر و تلویزیون و سینما شروع کرده است اما بیشترمان او را با نقش «زیـد»، فرزند «شوذب» در سریال دیدنی «معصومیت از دست رفته» به یاد می آوریم؛ جوانی سالم و معتقد که فرزند شوذب و ماریای نصرانی بود و ماجرای مهمی حول شخصیت اش روی می داد. شمایل یک مرد عاقل، صبور و دوراندیش که در نقش «حضرت سلیمان» در فیلم «مُلـک سلیمان» به اوج خود رسید. زندگانی با چشم‌های درشت، نگاه عمیق و چهره استخـوانی، واجد ویژگی‌هایی است که می‌تواند در نقش‌های مثبت، بدرخشد و موفق باشد.

خانـــم‌ها

برعکس مردها، تعداد زنانی که یادآور شمایـل زن معصوم و آرام و عاقل باشند، در سینمای ایـران کم نیست. کافی است چهره بازیگران قدیمی یا کم‌کار مثل «گـلاب آدینـه»، «خزر معصومی»، «افسانه پاکرو»، «شبنم قلی‌خانی» و تعداد زیادی بازیگر فعال مثل «لیـلا حاتمی»، «الـهـام حـمـیـدی»، «نفیسه روشـــن»، «شیلا خـداداد»، «نگار جواهریان»، «مینا ساداتی»، «نازنیـن بیاتی» و از همه محبوب‌تر، «ترانه علیدوستی» و مهم‌ترین و به‌یادماندنی‌ترین نقش‌های شان را به یاد آوریـد تا متوجه شوید چهره‌های زنـی که هم در نگاه اول و هم در طول سالیان، توانسته‌اند خوش‌بینی و اعتماد مخاطب را به «کاراکتر حـرفـه‌ای‌شان» جلب کنند، اصلا کم نیست و شاید به همین خاطر باشد که ظهور استعدادی مثل «هدیـه تهرانی» که با چهره سـردش، می‌توانست ایفاگر نقش زنان قوی و مستقل و حتی منفی باشد، اتفاق مهمی در سینمای ایـران به حساب می‌آمد. کارشناس پرونده، مطالعه دقیق و مفصلی درباره چهره و نگاه الهام حمیدی، به‌عنوان بازیگر زنی که به‌واسطه فیزیک، میمیک، لحن، بیان و لبخند، همیشه و همواره نقش زنان معصوم و مظلوم و مثبت را بازی کرده و می کند، ارائه داده است. پس ما به سراغ دو چهره دیگر، «شبنم قلی‌خانی» و «نگار جواهریان» می‌رویـم تا ویژگی‌های ذاتی و حرفه‌ای و نقش‌هایی را که تاکنون ایفا کرده‌اند، مرور کنیـم.

نگار جواهریان؛ صبور، ساکت، همراه

به شکل کلی، ترکیب چهره رنگ‌پریده و بی‌آرایش، ابروهای صاف، موهای مشکی، لب و دهان کوچک و اندام ترکه‌ای و قلمی، به هزار و یک دلیل فرهنگی و فرامتنی، حداقل برای ما ایـرانی‌ها، یادآور شمایل زن معصوم است. درست همان ترکیب چهره‌ای که به‌طور معمول از «نگار جواهریان» در بیشتر نقش‌هایش، به غیر از یکی‌دو استثنا دیده‌ایـم. بازیگری که مهم‌ترین جوایز عمر حرفه‌ای خود را برای ایفای نقشِ معصوم‌ترین زنان سینمای ایران مثل «زهرا سادات» فیلم «طلا و مس» و «پسنـد» فیلم «یه حبهَ قند» دریافت کرده است. جواهریان در بیشتر آثارش، نقش زنان ساده از قشر متوسط جامعه را بازی کرده و البته در قالب این کاراکترهای ساده و معصوم، حسابی به دل نشسته و درخشیـده است. در فیلم «طلا و مس»، همسر کم‌سن و سال، مهربان، اهل‌مدارا، صبور و آرام سیدرضا، طلبه شهرستانی است که با دو فرزندشان به تهران نقل‌مکان کرده‌اند تا شوهرش، سر کلاس استاد اخلاقی حاضر شود که تعریف اش را زیاد شنیده است. زن خوش‌ذوقـی که هم خانه‌داری و بچه‌داری می کند، هم خیاطی بلد است، هم فرش می‌بافد و هم اهل همراهی با شادی‌های کودکانه بچه‌هایش است که در ادامه داستان، به واسطه ابتلا به بیماری ام اس، روزها و لحظات تلخـی را تجربه می کند. زهراسادات شمایل یکی از معصوم‌ترین زنان سینمای ایران است که پایه‌گذار تصویر ذهنی مخاطب تا سال‌های طولانی از جواهریان، به عنوان زنی آرام و مظلوم و طفلکی بود. در فیلم «یه حبه قند»، باز هم نگار جواهریان را در نقش پسند، دختر آخر خانواده‌ای پرجمعیت که همدم و دلسوز بزرگ ترها و محرم و سنگ صبور کوچک ترهاست می‌بینیم؛ دختر صبور و کم‌حرف و خجالتی و مظلومی که بیشتر مسئولیت مدیریت خانه بزرگ‌شان را به دوش می کشد، مادربزرگش را حمام می کند، پای درددل خواهرهایش می‌نشیند و خلاصـه از دل همه خبر دارد ولی بقیه از دلش بی‌خبرنـد. مرور گذرای بقیه آثار جواهریان هم، مثل شیرین «خوابگاه دختران»، خواهر رحمان در «کتاب‌قانون»، الهه «بی‌خود و بی‌جهت»، معصومه «قندون جهیزیه» و مریم در «حوض نقاشی»، بیانگر این است که جواهریان، حداقل تا همین چندسال قبل، یکی از گزینه‌های جدی برای ایفای کاملا باورپذیر زنان معصوم سینمای ایران به حساب می‌آمد.

شبنم قلی‌خانی؛ پاک و بی‌گناه

واقعا چه کسی می‌توانـد نقش به‌یادماندنی «مریـم مقدس»، با آن حجم از معصومیت، پاکی و بی‌گناهی با نقش آفرینی شبنم قلی‌خانی را از یاد ببرد؟ قلی‌خانی با چهره مهتابی، چشم و ابروی مشکی، نگاه کودکانه و لحن آرام و ملایم در حرف زدن، در فیلم و سریال «مریم مقدس» به کارگردانی شهریار بحرانـی درخشید و به شمایل زن معصوم در سینما و تلویزیون ایـران، اعتباری تـازه بخشید. بازیگری که به واسطه چهره ساده و آرامش، نقش مریم‌مقدس را در هاله‌ای از قداست، به شکل باورپذیری ایفا کرد و این نقش، آن قدر قوی و ماندگار و شاید آن قـدر با ویژگی‌های ظاهری و فیزیکی قلی‌خانی هماهنگ بود که ما به عنوان مخاطب، تا سال‌ها این بازیگر را با همین حال و هوا دیدیم؛ در نقش زنانی آرام، متفکر، مظلوم و مردد که آزارشـان به مورچه هم نمی‌رسد. «آذر»، دخترِ در آستانه ازدواج مجموعه «اولین شب آرامش» که توسط دوست صمیمی‌اش بازی می‌خورد، «هُما»ی مجموعه «سال‌های برف و بنفشه»، «آیـدا»ی «پنج کیلومتر تا بهشت» و «یکتا»ی تنها و غمگین سریال «هشت و نیم دقیقه»، همه بیان‌گر این است که معصومیت، بـه وجـه مشخصه قلی‌خانی در طول سال‌های فعالیت اش تبدیل شده است.

یک کارشناس زبان صورت درباره چهره های قابل اعتماد و غیرقابل اعتماد می گوید

این پیش‌داوری ها به هیچ وجه قابل اتکا نیست

محسن عبداللهیان، دارای مدرک تخصصی تشخیص ریز حالت های چهره از آمریکا(نویسنده کتاب زبان صورت)- به طور کلی در جوامع مختلف و به خصوص در کشورهایی که مردمانش با بیشتر ماجراها، احساساتی برخورد و گاهی برداشت های احساسی شان را به عنوان دلایلی منطقی مطرح می کنند، این ماجرا تبدیل به معضل شده و در دنیای واقعی بهتر است این پیش فرض ها و پیش داوری ها را کنار بگذاریم. چهره های مختلف به دلایل متفاوت ممکن است به شکل هایی دربیاید که ما مدعی شویم این چهره قابل اعتمادتر است یا این چهره قابلیت اعتماد کمتری دارد. البته نه تنها چهره بلکه بعضی رفتارها، می تواند در این زمینه تاثیر گذار باشد.

■ فاکتورهای اعتمادساز چهره

ما انسان ها وقتی عادت می کنیم احساسی را در چهره خودمان بیشتر داشته باشیم (به طور مثال غم یا شادی)، فاکتورهای غیرقابل اعتماد بودن را از چهره خودمان دور می کنیم. مختصات چهره ما وقتی احساساتش را راحت نشان بدهد، احساس بی آزار بودن و رک بودن را به طرف مقابل منتقل می کند. به طور مثال در هنگام بروز احساس غم در صورتی که برای مدتی در انسان ماندگار شود، به طور کلی ماهیچه های صورت به سمت پایین کشیده می شود. بنابراین وقتی ما می خواهیم از فردی خواهشی داشته باشیم یا وقتی احساس شادی در انسان ماندگار می شود، با بالا رفتن دو طرف دهان به گونه ای که گونه ها برآمده و چین خوردگی گوشه بیرونی نمایان می شود، به دیگران این نظریه را منتقل می کنیم که قابل اعتمادتر هستیم.

■ آثار خشم و شادی و ترس بر چهره

اگر خشم به دلایلی در چهره یک فرد ماندگار شود، ابروها به سمت پایین و یکدیگر کشیده سپس پلک های پایین چشم کمی برآمده می شوند و پلک های بالا کمی بالا می روند که به عبارت ساده به این حالت چشم غره می گوییم. در این بین و به طور مثال، فردی که در روستا و زیر نور آفتاب کار می کند، به خاطر استفاده از نیروی بدنی و فعالیت فیزیکی احساس خشم در او به وجود می آید و ناخودآگاه چهره اش جدی تر به نظر می رسد در صورتی که ممکن است خشم در او نهادینه نشده باشد. شاید در ظاهر، این افراد غیرقابل اعتماد به نظر برسند اما این برداشت قطعی و ۱۰۰ درصدی نیست. به طور کلی افرادی که خشم، نفرت و ترس در چهره شان ماندگار می شود، افرادی غیر قابل اعتماد، مرموز و شرور به نظر می رسند با این حال، این ویژگی ها نباید باعث شود که ما در ذهن مان به افراد برچسب بزنیم. وقتی در فکرمان به این نتیجه برسیم که فلان آدم مرموز است یا غیر قابل اعتماد و ... این مسائل کم کم در ذهن مان تبدیل به باور می شود. هرچند می دانیم که درباره آن ها مطمئن نیستیم.

■ طیف غیرقابل اعتماد تا قابل اعتمادترین چهره

از نظر علمی، طیف حالت های چهره یک نفر از غیر قابل اعتمادترین تا قابل اعتمادترین چهره به تصویر کشیده است. این تصویر توسط محققان یک دانشگاه ساخته شده است. در تصویر سمت چپ، چهره ای خشن تر می بینیم چون گوشه داخلی ابروها به سمت پایین است و از نشانه های خشم و نفرت است که باعث غیرقابل اعتماد شدن فرد می شود. در تصویر سمت راست، گوشه داخلی ابروها به سمت بالاست که در بروز شادی خودش را نشان می هد. استخوان بالای بینی در چهره های غیرقابل اعتماد بیشتر تورفتگی دارد. گونه های برآمده تر و شفاف تر، باعث می شود تا ما احساس کنیم با فردی قابل اعتمادتر روبه رو هستیم. در قسمت چانه هم وقتی این عضو استخوانی تر باشد و بیشتر استخوان چانه دیده شود، باعث غیرقابل اعتمادتر شدن چهره می شود. با این حال، این ها پیش فرض و پیش داوری هایی هستند که به هیچ وجه قابل اتکا نیست چون هر لحظه ممکن است انسان تغییر کند.

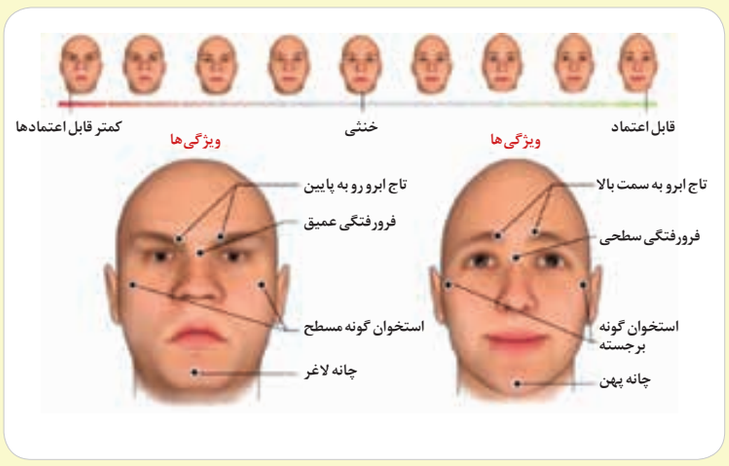

■ جوهرچی مورد اعتماد مخاطب بود

در این تصویر از مرحوم «حسن جوهرچی»، هیچ نشانه ای از احساسات منفی وجود ندارد که لازم باشد درباره او احساس خطر یا ناامنی بکنیم. طبق توضیحات مطرح شده، این تصویر عاری از نشانه هایی همچون خشم و نفرت است یعنی نشانه هایی همچون به سمت هم آمدن ابروها، اخم، رفتن لب بالا به سمت بالا و چین روی بینی را نمی بینیم و برعکس در این تصویر، برآمدگی گونه ها حس خوبی را به ما منتقل می کند. مرحوم جوهرچی در بیشتر اوقات با توجه به شخصیتی که در پی احساسات در چهره اش دیده می شد، چنین حس خوبی را به مخاطب منتقل می کرد و ما هم حس مثبتی به وی داشتیم. بنابراین او یکی از شخصیت هایی بود که کارگردان ها هم نقش های مثبت به او می دادند چراکه به راحتی اعتماد مخاطب را به نقش خودش جلب می کرد.

■ حمیدی مثبت اندیشی اش را به ما القا می کند

در این تصویر هرچند شـادی «الـهـام حمیدی» ساختگی و ژستی برای عکس است و حقیقی نیست اما برآمدگی گونه و نبودن علایم احساسات منفی در چهره این بازیگر خانم، مثبت اندیشی اش را به ما به عنوان یک مخاطب القا می کند. چهره هایی که به اصطلاح باز هستند یعنی ابروها از هم فاصله دارنـد، گونه ها درشت تر هستند و فاصله چشم و ابرو کمی بیشتر است، باعث می شود تا ما احساس کنیم می توانیم به آن فرد و افکارش اعتماد کنیم. بیشتر این ویژگی هادر صورت خانم حمیدی دیده می شود.